

نمونه ترجمه شماره ۱

موضوع: وگنسیسم، روانشناسی، حقوق حیوانات

مترجم: فاطمه دلدار

متن اصلی (انگلیسی) در پایان ترجمه قرار دارد.

عنوان: آیا از ویستوپیا رنج می‌برید؟

درباره‌ی زندگی وگن‌ها در دنیایی غیروگن
(نوشته‌ی کلر مان، روان‌شناس وگن)

مواجهه با ستمی سازمان یافته

مانند بسیاری از کسانی که قبل از من این مسیر را طی کرده بودند، من هم بعد از آگاهی از شکنجه‌ها و ستم سازمان یافته‌ی موجود در جامعه‌ی مدرن مان وحشت زده شدم.

داستان آشنایی من با وگنسیسم از آن جا شروع شد که ناگهان چشم‌هایم به آزار عظیم حیوانات در سیستم صنعتی مان باز شد. هضمش تقریباً غیرممکن بود و احتمالاً از دردآورترین چیزهایی است که تا به حال تجربه کرده‌ام.

فهمیدن این موضوع که برای فقط ۵/۷ میلیارد انسان سالانه حدوداً ۱۵۰ میلیارد حیوان کشته می‌شوند وحشتناک بود. حیوانات صرفاً چرخ‌دنده‌هایی در این تشکیلات تجاری‌اند و چیزی بیش از واحدهای تولید و سود به حساب نمی‌آیند. واقعیتی که با آن روبه‌رو شدم حقیقتاً یک دیستوپیا (ویران‌شهر) بود، مکان یا جامعه‌ای که در آن همه چیز ناخوشایند یا بد است؛ مثل رژیم‌های تمامیت‌طلب یا محیط‌زیستی ویران‌شده.

بالین حال، وضعیت آزار صنعتی حیوانات شرایطی خیالی و فرضی نبود. واقعیت داشت و درعین حال اکثر مردم از طریق تصمیم‌های روزانه‌ی شخصی‌شان در نقش یک مصرف‌کننده با این دیستوپیا همدستی می‌کردند.

هرچه بیشتر جست‌وجو می‌کردم، ناامیدتر می‌شدم. در بطن این ماجرا واقعیت دیگری هم بود؛ این که تشویق مردم برای همدستی نشدن در بهره‌کشی از حیوانات، اغلب با تمسخر، مقاومت، انتقاد، یا بی‌تفاوتی مواجه می‌شد.

شنیدن دادوبیدادهایی از این قبیل که «به خودم مربوطه چی می‌خورم!» دلم را فرو می‌ریخت. فهمیدم کسانی که این حرف را می‌زدند در برابر عمل شنیعی که بخشی از آن‌اند انگار در وضعیت خلسه‌مانندی قرار داشتند. نمی‌توانستم از دست یادآوری‌های مکرر این گونه‌پرستی فرار کنم وقتی که می‌دیدم دیگران حیوانات یا ترشحات بدن‌شان را می‌خورند، آن‌ها را می‌پوشند، روی وسایلی می‌نشینند که از پوست حیوانات ساخته شده‌اند، و از لوازم آرایشی و وسایل خانگی‌ای استفاده می‌کنند که حاوی محصولات حیوانی است یا آزمایش حیوانی داشته‌اند.

این همدستی جمعی در جهت آزارسانی آن قدر تکان دهنده بود که حس می‌کردم هیچ راه‌گریزی وجود ندارد. این‌گونه نبود که با خود را به آن در زدن و از جای دیگری خرید کردن بتوان از مواجهه با این همدستی شوم برای منفعت‌طلبی به هر قیمتی که شده، قسر در رفت. حتی اگر من تصمیم می‌گرفتم در رویه‌ی خرید و رفتارم تغییر ایجاد کنم اطرافیانم داشتند به حمایت از این دیستوپیا (ویران‌شهر) ادامه می‌دادند. درست جلوی چشمانم بود و انگار آن‌ها از عمق این فریب ناآگاه بودند.

تشویش و جودی یک وگن

دیگر افرادی که این حقیقت را کشف کرده‌اند احتمالاً می‌توانند این سطح از تشویش و جودی را درک کنند. پیشینه‌ی من به‌عنوان یک روان‌درمانگر و روان‌شناس وجودگرا، درکی عمیق از انتخاب‌های زندگی و تأثیرشان بر روان انسان به من داده است. به‌هرجهت، برخلاف آن عزیمت شخصی‌ای که همه‌ی ما برای کشف مفهوم وجودمان درپیش می‌گیریم، متوجه شدم شخص وگن نمی‌تواند با پرت کردن حواسش یا معنادهی از این بیم و تشویش فرار کند. معتقدم دلیلش این است که وگن‌ها نمی‌توانند از یادآوری‌های روزمره‌ی دیستوپیا و همدستی ناآگاهانه‌ی غیروگن‌ها با آزار حیوانات و ظلم به آن‌ها فرار کنند. غیروگن‌ها ناآگاهانه در ظلم به حیوانات دست‌دارند تا آن زمانی که وگن‌ها در این‌باره آگاهشان می‌کنند. فرد وگنی که با کسی درباره‌ی این مسائل صحبت می‌کند و بعد از آن وگن شدن مخاطبش را نمی‌بیند، به این باور می‌رسد که طرف صحبتش یا با ظلم موافق است، یا آنچه در حال رخ دادن است را قبول ندارد، و یا برای این مسئله اهمیتی قائل نمی‌شود. به‌هرصورت، شخص وگن می‌داند که فرد غیروگن حالا از شرایط آگاه است اما همچنان تصمیمش بر سهیم بودن در این تبانی است. از این رو است که می‌گویند دوستان یا خانواده‌شان آن‌ها را درک نمی‌کنند. آن‌ها ممکن است بر این عقیده باشند که رفتار غیروگن‌ها حاکی‌ست از این‌که:

- بهره‌کشی از حیوانات و ظلم به آن‌ها قابل قبول است.
- نمی‌خواهند یا نمی‌توانند با ضربه‌ی روانی‌ای که وگن‌ها خورده‌اند، همدلی کرده و آن را درک کنند؛ یا
- قبول ندارند ظلم به حیوانات تا آن حد که فرد وگن می‌گوید شدید است.

ویستوپیا

احساس تشویش و جودی یک وگن را ویستوپیا می‌نامم؛ «بحران وجودی‌ای که وگن‌ها تجربه می‌کنند و از آگاهی نسبت به همدستی خلسه‌مانند [غیروگن‌ها] با دنیایی دیستوپایی نشأت می‌گیرد. ویستوپیا، همان آگاهی نسبت به طمع، بهره‌کشی همه‌جایی از حیوانات، و گونه‌پرستی در دیستوپایی مدرن است.»

اگر نشانگان زیر را دارید احتمالاً شما هم از ویستوپیا رنج می‌برید:

- خشم
- اندوه شدید به دلیل شدت شناعَتِ ظلمِ در همه‌جا حاضری که به حیوانات می‌شود
- سرخوردگی از این که نمی‌توانید مردم را از خلسه‌ای که در آن فرو رفته‌اند بیدار کنید
- احساس بیگانگی نسبت به گیروگن‌ها
- احساس تنهایی در جمع‌هایی که قبلاً خودتان را جزئی از آن‌ها می‌دانستید
- ناامیدی و یأس از این که شرایط هیچ‌وقت عوض نخواهد شد
- احساس بی‌قدرتی نسبت به ایجاد تغییرات مؤثر در سطح جهانی

آیا درمانی برای ویستوپیا وجود دارد؟

درمان ویستوپیا دنیایی وگن است که ورای بهره‌کشی از حیوانات غیرانسان، عدم بهره‌کشی از انسان‌ها را هم دربرمی‌گیرد. تا وقتی جزئی از سازوکاری هستیم که ما را در این خلسه نگه می‌دارد، حالتی که در آن حتی آزارگری را زیر سؤال هم نمی‌بریم، بهره‌کشی از انسان‌ها همیشه برقرار خواهد ماند. ممکن است این مثل یک آرمانشهر دست‌نیافتنی به نظر برسد. با این حال، تمام گام‌های مثبت در تاریخ زندگی انسان‌ها از گردهمایی مردم و داشتن بینشی بسیار متفاوت از واقعیت کنونی‌شان نشأت می‌گیرد. هم‌رسانی این بینش و یکی کردن حرف‌و‌عمل نیازمند رهبران و پیش‌روانی‌ست تا بعد دیگران بگویند: «قطعاً می‌توانیم بهتر از این عمل کنیم و همین کار را هم خواهیم کرد.» وگن‌ها رهبران جدید برای ساخت این دنیای قشنگ نو هستند و هرکدام از ما باید به این جنبش بپیوندیم و در سوی حق تاریخ بایستیم. در کنار هم می‌توانیم دنیایی بسازیم که همه‌مان آرزویش را داریم و در آن تمام موجودات حسمند مورد احترام و ستایش قرار می‌گیرند.

منبع:

Do You Suffer From Vystopia?

(<https://www.veganpsychologist.com/do-you-suffer-from-vystopia/>)

ترجمه: فاطمه دلدار

منتشر شده در «مجموعه گیاهخواری وگ»

Do You Suffer From Vystopia?The Discovery of Systemised Cruelty

Like many who have made the journey before me, the discovery of systemised torture and cruelty within our modern society left me horrified.

My journey into veganism arose out of my eyes being suddenly opened to the large scale abuse of animals in our industrial system. It was almost impossible to take in, and probably one of the most painful things I have ever experienced.

The realisation that approximately 150 billion animals per year are killed for a mere 7.5 billion humans was appalling. These animals are merely cogs in the machinery of business who consider them no more than units of production and profit.

The reality I faced was indeed a dystopia, namely; “an imagined place or state in which everything is unpleasant or bad, typically a totalitarian or environmentally degraded one” (Wikipedia). However, as far as the industrial abuse of animals, this wasn’t an imagined place or state. It was reality, and yet the majority of people were colluding with this dystopia through their everyday consumer choices.

The more I searched, the more despairing I became. Within this was the other reality that encouraging people not to collude with the exploitation of animals was often met with ridicule, resistance, criticism or indifference.

Cries of “It’s my choice to eat what I want!” made my heart sink, realising that those who said this were in a trance-like state at the enormity of what they were a part of. I couldn’t escape the frequent reminders of this speciesism as I saw others eat animals or their secretions, wear animals, sit on furniture made of animal skins, use cosmetics and household products that contained animal products or were tested on them.

This collective collusion with the abuse was so startling that I felt there was no escape. It wasn’t as if the collusion with the pursuit of profit at any cost could be avoided by visiting or purchasing elsewhere. Even if I chose to purchase and act differently, others around me were continuing to support this dystopia. It was right in-front of my eyes and they were seemingly unaware of the depth of the deception.

The Existential Angst of a Vegan

Others who have made this discovery might relate to this level of existential angst. My background as an existential psychotherapist and psychologist had already given me a deep understanding of life choices, and their effect on the human psyche.

However, unlike that very personal journey we are all on of discovering our meaning, I came to realise that the vegan can’t escape this angst through distraction or meaning-making. I believe this is because they can’t escape the everyday reminder of the dystopia and the non-vegan’s unwitting collusion with animal cruelty.

Non-vegans are unwittingly colluding with the cruelty, until the vegan advises them of it. The vegan who then talks to someone about these issues, who subsequently doesn’t become vegan, believes that that person

either agrees with the cruelty, disbelieves what goes on or is indifferent to it. Either way, the vegan knows that the non-vegan now has the knowledge but chooses to continue with the collusion. Therefore, they say that their friends or family don't understand them. They might believe the non-vegan is demonstrating that:

Cruelty and animal exploitation is acceptable. They do not wish or are unable to empathise with the vegan's trauma or They do not believe that animal cruelty is as far-reaching as the vegan reports.

Vystopia

The existential angst for the vegan is something I call vystopia, the "existential crisis experienced by vegans which arises out of an awareness of the trance-like collusion with a dystopian world. It's the awareness of the greed, ubiquitous animal exploitation and speciesism in a modern dystopia".

If you have following symptoms, you too are likely to be suffering from vystopia:

Anger
Intense grief at the enormity of the ubiquitous animal abuse
Frustration at being unable to wake people up from the trance. Feelings of alienation from non-vegans. Loneliness within groups you previously felt part of
Despair and hopelessness that things will never change.

Powerlessness to effect change on a global level
Is there a cure for vystopia?

The cure for vystopia is a vegan world that extends beyond the non-exploitation of animals to encompass the non-exploitation of humans.

Exploitation of humans will always exist whilst we are part of a machinery that maintains us in a state of trance where we don't even question the abuse. This may sound like an unachievable Utopia. However, all positive steps in human history arise out of people coming together and holding a vision which is very different from their current reality.

It takes leaders to share this vision and 'walk the talk' of their conviction so others say, "We can indeed do better than this and we will!" Vegans are the new leaders in creation of this brave new world and each of us must rise to the challenge and be on the right side of history. Together we can create a world in which we all wish to belong and in which all sentient creatures are respected and honoured.